

سخنی چند

در

غیبت امام زمان (علیه السلام)

نوشته :

محمد صالحی آذری - دیرعلوم تربیت و تعلیم دینی

سخنی چند

در

غیبت امام زمان (علیه السلام)

نوشته:

محمد صالحی آذری دبیر علوم تربیت و تعلیم دینی

مشخصات :

نام کتاب : غیبت امام زمان علیه السلام

محل چاپ : چاپ اول چاپخانه دانشگاه مشهد

تعداد :

تاریخ انتشار :

شماره ثبت دفتر اداره کل فرهنگ و هنر خراسان ۴۶۵ - ۵۲/۵/۱

کلیه حقوق محفوظ

از شخصیت ممتاز و والای قطب عالم امکان - امام عصر و ولی زمان - سخن گفتن و حق مطلب را - چنانکه باید و شاید - ادا کردن خود کاری بزرگ و مسئولیتی خطیر است .

شخصیتی کامل که هستی همه به طفیل هستی وی وابسته است . که او همچون گلی است بر درخت هستی که باغبان باغ وجود، میلیاردها خارا فقط برای بقاء و شادابیِ همو آبیاری می کند ...

شخصیتی برگزیده که مأموریت الهی دارد تا زحمات یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر را به نتیجه نهائی برساند ...

شخصیتی برجسته که آخرین گوهر خاندان نبوت و رسالت و امامت است .

شخصیتی آسمانی که مأموریت جهانی دارد تا اسلام عزیز را بمحکم و عده قرآن کریم: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» بر تمام ادیان جهان چیره و پیروز گرداند اگرچه کافران مایل نباشند .

شخصیتی که مروج اسلام و قرآن است و بس، که فقط احکام دین مبین اسلام و فرائض و سنن آن را احیا و اجرا می نماید .

شخصیتی که همه پیامبران، به قیام او بنام «مصلح جهان» مزده داده‌اند .

شخصیتی که بدست توانای او بساط ستم چنان برچیده شود که در سرتاسر گیتی ستمگری نماند تا ستمی بوقوع پیوندد مگر آنکه عادلانه با وی رفتار شود .

شخصیتی که به اراده الهی و نیروی خدادادی بر سرتاسر جهان با برنامه عدل و داد حکومت کند و جهان از برکت داد گریش لبریز گردد .

شخصیتی که پیامبر اکرم درباره اش خبر داد عمرش همچون نوح طولانی است و همچنانست .

شخصیتی که غایب از دیده‌هاست ، او همانند فردی از مردم در زمین راه می‌رود و زندگی می‌کند و مردم آن حضرت را می‌بینند ولی نمی‌شناسند .

شخصیتی که دانش او را نتوان سنجید که وارث علم تمام انبیاء و اوصیاء بویژه پیامبر اسلام و ائمه اطهار (ع) است .

شخصیتی که درباره شجاعت و شهامتش فقط می‌توان گفت : «اشجع الناس» شجاع‌ترین مردم است .

شخصیتی ممتاز و برجسته که آفریدگارش او را برای اجرای برنامه همه‌جانبه هدایتی و ایجاد حکومت واحد جهانی برگزید و بدو « برگزیده خدا » - بقیة الله - لقب داد .

و شخصیتی چندبعدی ... چندبعدی ...

آری شخصیتی که « آنچه خوبان همه دارند او تنها دارد » و اینک با این وصف چگونه می‌توان درباره شخصیت نامتناهی او

که چون اقیانوسی بیکران است قلم فرسایی نمود ؟
چهمی شود کرد ؟

هنگامی که نگارنده را - که معلم است نه نویسنده - بر آن داشتند که غیبت امام زمان (ع) را مورد بررسی قرار دهد خود را در برابر اقیانوسی نامتناهی احساس کرد، اقیانوسی که کز آن تا کران هستی را عظمتش فرا گرفته است ! چه کند ؟ و از کجا آغاز ؟

ولی سر و سر غیبی به گوش او ندا در داد :

« آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید »

نگارنده با تأییدات الهی «مسأله غیبت» را در طول قرون متمادی، از زمان ادريس پیامبر تا این زمان - غیبت کبری - مورد بررسی و مطالعه قرار داد و محصول زحمات خویش را مختصراً به صورت مجموعه‌ای - که ملاحظه می‌شود - گردآوری کرد و آن را به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر - امام زمان (ع) - تقدیم داشت .

امیدوار است که سلیمان زمان، ران ملخی را از مورچه‌ای ضعیف و ناتوان پذیرا شده، او را به خدمتگزاری خویش پذیرد .



این کتاب نخستین بار در نشریه «پرتوی از معارف اسلام» به همت دانشسرای دوره راهنمایی مشهد چاپ و نشر یافته است ولی اکنون به صورت مستقل انتشار می‌یابد تا همگان را بدان دسترسی باشد .

موضوع فیهت در بخشهای زیر بررسی می شود :

صفحه ۱۱	مقدمه - بررسی واژه غیبت
» ۱۹	۱- غیبت انبیا
» ۲۷	۲- مسأله غیبت قبل از تولد حضرت
» ۳۷	۳- کتابهای غیبت قبل از ولادت امام زمان (ع)
» ۴۱	۴- رسوخ اعتقاد به غیبت حضرت در افکار مردم
» ۴۷	۵- امام زمان (ع) غایب می شود
» ۵۵	۶- کتابهای غیبت بعد از امام حسن عسکری (ع)
» ۶۵	۷- در انتظار امام زمان (ع)
» ۷۱	۸- فرجام غیبت حضرت مهدی (ع)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسألة مهم جهان تشیع

از مسائل مهم جهان تشیع
مسألة غایب بودن امام زمان (ع)
است بهمین جهت اخبار و
احادیث فراوانی از پیامبر اکرم
(ص) و ائمه (ع) درباره غیبت
پیش از وقوع آن صادر گشته که
هنگام وقوع غیبت، شیعیان
دچار تزلزل و گمراهی نشوند
و از شاهراه سعادت بخش اسلام
به کوره راه شیادان مهدی نما
نیفتند.

بررسی و اژه غیبت

- * مسیری در فرهنگها
- * شیخیه
- * پیروان مذهب اربعه
- * غیبت پیامبر اکرم (ص) و....

چون هدف این کتاب، بررسی غیبت امام زمان (ع) است نخست باید تحقیق شود که «غیبت» در فرهنگها و اصطلاحات دینی به چه معانی بکار رفته است تا برداشت مسلمانان و دیگران از «غیبت» بر اساسی درست، مبتنی گردد، و در نتیجه بنای اعتقادشان بر مبنائی راستین پایه گذاری شود. بهمین جهت، ناگزیر، سخن از معانی «غیبت» آغاز می گردد.

سیری در فرهنگها

(غاب یغیب غیباً و غیبة و غیوباً و مفیباً) عنه: بعد عنه و باینه: از او دور شد و از او جداگشت.

[غابتِ الشمس...] غربت و استترت عن العین:

خورشید غروب کرد و از دیده پنهان شد.

– الشیء عن فلان: استتر. ضد حضر:

آن چیز از فلان کس پنهان و پوشیده ماند. ضد حضور: ناپدید شد (المنجد)

غاب عنه غیباً و غیبة: ناپدید شد. و غابت الشمس: فروشد آفتاب.

(منتهی الإرب)

غیبت – بالفتح. ع. ضد حضور و ناپدید شدن و فروشدن و فروشدن آفتاب و بالکسر عیب کسی در قفای او گفتن اگر راست باشد و اگر دروغ باشد بهتان بود (آندراج).

﴿غاب﴾ عنه ض یغیب: غیباً و غیبة... : بعد عنه و باینه: از او دور شد و از او جدا گشت .

و- الشمس و غیرها من النجوم... : غربت و استترت عن العین: خورشید غروب کرد و از دیده پوشیده و پنهان شد .

و- الشیء عن فلان: استتر: آن چیز از فلانی پوشیده ماند

و- ضد حضر: ناپدید شد .

و- فلان عن بلاده: سافر: مسافرت کرد .

و- الشیء فی الشیء غیابة... و غیبة: بطن فیہ و استتر: در آن پنهان و پوشیده ماند... (سمعت صوتاً من وراء الغیب) ای من موضع لا اراه: صوت را از جایی که آنجا را نمی بینم شنیدم . (اقرب الموارد)

غاب القمر غیباً و غیوبة... ای غرب و تواری: ماه غروب کرد و پنهان شد .

و فی الحدیث حتی غابت الشمس: حتی غاب قرصها: تا قرص خورشید پنهان شد (مجمع البحرین)

غیب: الغیب مصدر غابت الشمس و غیرها اذا استترت عن العین، یقال غاب عنی کذا... : هنگامی که خورشید و غیر آن از دیده پوشیده ماند ، گفته می شود: این چنین از من پنهان شد .

الغیب فی قوله (یؤمنون بالغیب) مالا یقع تحت الحواس... غیب چیزی است که تحت حواس واقع نمی شود... (المفردات فی غریب القرآن) بنابراین، غیبت بمعنی: دور شدن. جدا شدن ، غروب کردن ، از دیده پنهان شدن، ناپدید شدن، از نظر پنهان شدن، ضد حضور ، فرو شدن

و ناپیدا شدن است .

شیخیه

با این روشنی برخی از مردم بر اساس اندیشه و فهم محدود و نارسای خویش، «غیبت» را نوعی دیگر توهم نموده و تحویل مریدان و یا مردم ساده لوح داده و آنان را به بیراهه افکنده و سرگردان کرده اند. از جمله رهبر فرقه شیخیه (متوفی ۱۲۴۲ ه. ق.) بنام شیخ احمد احسائی معتقد است که: «امام زمان (ع) در دوران غیبت در دوشهر جابلقا و جابلسا در عالم هورقلیا، از اقلیم هشتم بسر می برد...» (کتاب جوامع الکلم تألیف شیخ احمد احسائی) در حالی که عموم دانشمندان شیعه بر آنند که: حضرت روی زمین و میان مردم زندگی می کند .

آری غیبت را بمعنی زندگی در اقلیم هشتم (که معلوم نیست کجاست) آن هم در عالم هورقلیا، (که عالمی خیالی است) و سکونت در شهرهائی بنام جابلقا و جابلسا واقع در مغرب و مشرق (که اصلاً وجود خارجی ندارد) گرفتن، اشتباهی فاحش و نابخشودنی است .

پیروان مذاهب اربعه

گروهی دیگر از پیروان مذاهب اربعه از غیبت امام زمان برداشت نادرستی داشته و پنداشته اند که: حضرت در چاه سامرا غایب و پنهان است. ولی باید اعتراف کرد که داستان سرداب و یا چاه سامرا سخن ناروا و نادرستی است که مفرضان اهل سنت به شیعه اثنی عشری نسبت داده اند. چنانکه ابن حجر مکی در (کتاب صواعق المحرقة) خود در ضمن اشعاری

که نقل می‌کند امام زمان، مهدی موعود را در سرداب ساکن می‌داند .

اما علمای شیعه معتقدند: امام زمان (ع) روی زمین منتها بطور ناشناخته و پنهانی سکونت دارند و زندگی می‌کنند چنانکه امام ششم می‌فرماید :
... خداوند میان آن حضرت و مردم حجابی قرار می‌دهد که او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند. (کافی، باب الحجة) .

و نیز مولوی در این مسأله به اشتباه عجیبی افتاده و چنین معتقد شده است که :

«ولیّ هر سالکی مادامی که جلوه برسالك نکرده از او غایب است همین که تجلی کرد ظهور کرده است.» و یا سخن ناروای دیگرش که در کتاب مثنوی به چشم می‌خورد :

... پس بهر دوری ولیّی قائم است! تا قیامت آزمایش ، دائم است
پس امامِ حقیّی قائم ، آن ولی است خواه از نسل عمر خواه از علی است!
مهدی و هادی وی است ای راه جو ! هم نهان و هم نشسته پیش رو!
که در شناختِ ولیّی قائم دچار افکار اهل طریقت گشته و از مدینه علم پیامبر
و ابواب آن حضرت بی‌بهره مانده و تا آخر عمر نتوانسته راهی پیشگاه مقدس
حضرت ولی عصر ارواحنا فداه باشد .

آری امام زمان ، موجودی جسمانی و فرزند امام حسن عسکری است که در روی زمین زندگی می‌کند و غیبت آن حضرت بدان معنی است که مردم آن حضرت را یا نمی‌بینند و یا اگر می‌بینند او را نمی‌شناسند و چنان نیست که اکنون مردم، امام را نبینند چه بسیار مردمی که آن حضرت را روزانه می‌بینند و او را نمی‌شناسند و اگر زنده بمانند چه بسا روز ظهور خواهند گفت: این کسی است که ما او را بسیار دیده‌ایم .

غیبت پیامبر اکرم (ص) و...

نظیر همین غیبت را سایر ائمه اطهار حتی خود پیامبر (ص) داشته‌اند ولی بنحوی خفیف‌تر، مثلاً هنگام هجرت که پیامبر سه‌روز در غار ثور توقف کرد، سپس عازم یثرب گردید، از انظار غایب بود و احدی جز ابوبکر نمی‌دانست که آن حضرت در کجا پنهان است.

در همین سفر بود که متجاوز از ده‌روز در «قبا» دوفرسخی یثرب اقامت کرد که نیز احدی جز ابوبکر از جا و مکان زندگی و اقامت حضرت اطلاع نداشت. و این نیز نوعی غیبت است.

و بهمین منوال، همه امامان نسبت به کثیری از شیعیان خود حالت غیبت را داشته‌اند مثلاً:

حضرت علی (ع) نسبت به گروهی از مسلمانان و مردم، که آن بزرگوار را می‌شناختند حالت ظهور را داشتند ولی نسبت به سایر مردم که اهل آن شهر و دیار نبودند حالت غیبت را. زیرا اینان اولاً آن حضرت را نمی‌دیدند ثانیاً اگر هم روزی به مدینه یا کوفه می‌آمدند و حضرت را می‌دیدند نمی‌شناختند مگر آنکه معرفی بعمل می‌آمد. و یا:

امام صادق را فقط مردم مدینه می‌شناختند ولی سایر مردم از بلخ تا بخارا او را نمی‌شناختند... و نیز: هنگامی که امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) در زندان هرون الرشید محبوس بود حالت غیبت را داشت زیرا گروه

* سیره ابن هشام ج ۱ ص ۸۶

** کامل التواریخ جزء دوم ص ۷۰

کثیری از شیعیان، تا مدتها جا و مکان حضرت را نمی دانستند که در کجا زندانی است

البته چنانکه یاد شد ، غیبت این بزرگواران کوتاه بوده ولی غیبت حضرت حجت (ع) طولانی است که خود بحث اساسی این نوشته است و بزودی به بیان آن خواهیم پرداخت .

غیبتِ انبیاء

* اندیس

* صالح

* ابراہیم

* یوسف

* موسیٰ

* عِزْرَی

* یونس

هدایت بشر حائز اهمیت و مورد توجه پروردگار است بهمین علت مسائل اعتقادی به سبکی بیان میشود که همه از عالم و عامی و فیلسوف و بیسواد به راحتی بتوانند درک کنند و با اطمینان خاطر و یقین کامل بدان بگردند. پروردگار متعال به منظور تفهیم مسأله غیبت امام زمان (ع) برای برخی از انبیای سلف غیبت مقدر میفرماید تا نمونه و دلیل روشنی باشد برای اثبات غیبت امام زمان (ع) در زمان غیبت.

برای روشنگری مسأله به غیبت چند نفر از انبیاء اشاره میشود:

ادریس

آغاز غیبتها، غیبت ادریس پیامبر است تا کار شیعیانش به جایی رسید که قوت آنان به دشواری افتاد و ستمگران جمعی را کشتند و دیگران را فقیر و هراسان کردند در این هنگام ادریس ظهور نمود و به شیعیانش مژده فرح داد که قائمی از فرزندانش قیام کند و انتقام کشد و آن نوح علیه السلام بود سپس خدا ادریس را بالا برد و همیشه شیعه وی پشت اندر پشت قرنهای در انتظار قیام نوح بسر میبردند... تا پیامبری نوح آشکارا گردید^۱.

۱- کمال الدین و تمام النعمة ج ۱ تألیف شیخ صدوق متوفی ۳۸۱ هجری قمری ص ۱۲۷

چاپ مکتبة الصدوق .

صالح

صالح پیامبر از میان قوم خود غیبت کرد روزی که غایب شد مردی کامل و خوش اندام بود ... چون نزد قومش برگشت تفسیر شکل داده بود او را شناختند و سه دسته شدند:

۱ - منکران جدی که هرگز بر نمی گشتند .

۲ - اهل شك و تردید .

۳ - اهل ایمان و یقین^۲ .

ابراهیم

غیبت حضرت ابراهیم خلیل مانند غیبت قائم اسلام (ع) است. خدای عزوجل اثر حمل حضرت ابراهیم را در شکم مادر پنهان داشت و تولدش نیز به سبب اوضاع اختناق آور فرعون پنهان بود. ابراهیم از هنگام تولد همیشه در پنهانی و غیبت بود تا وقتی که مدت غیبت به سر آمد و ظهور کرد ... سپس دوباره غایب شد و تنها به گردش در شهرها پرداخت^۳ .

یوسف

غیبت یوسف بیست سال طول کشید ... سه روز در چاه بود و چند سال زندانی و باقی سالها را پادشاهی میکرد. یوسف در مصر و یعقوب در فلسطین بسر میبردند . یعقوب میدانست که یوسف زنده است و خدا پس از دوران

۲ - کمال الدین ج ۱، ص ۱۲۶ .

۳ - کمال الدین ج ۱، ص ۱۲۷ .

غیبتش اورا ظاهر خواهد کرد . به فرزندان خود میگفت : « انّی أعلم من الله ما لاتعلمون » . همانا من از طرف خدا میدانم آنچه را که شما نمیدانید . برادران یوسف پیغمبرزاده بودند با یوسف داد وستد کردند با آنکه برادرانش بودند و او هم برادر ایشان بود یوسف را نشناختند تا خودش گفت : « من یوسف هستم » .^۴

موسی

دوره سختی بنی اسرائیل فرارسید و مدت چهارصدسال درانتظار قیام قائم بسر بردند تا آنگاه که مژده تولد اورا دریافتند و نشانه های ظهورش را دیدند گرفتاری سخت تر شد .

امام صادق (ع) میفرماید : « چون وفات یوسف بن یعقوب فرارسید خاندان یعقوب را که هشتاد مرد بودند جمع کرد و گفت که این قبطیان بزودی بر شما مسلط شوند و بدترین عذاب را به شما بچشانند همانا خدا شمارا بدست مردی از فرزندان لای بن یعقوب به نام موسی بن عمران نجات بخشد و او پسری بلندبالا و پیچیده مو و گندمگون است ... خبر به فرعون رسید که بنی اسرائیل به موسی بن عمران توجه دارند و اورا میجویند و غیب گویان و جادوگران دربار وی هم به او گفتند هلاکت دین و قوم تو به دست پسر بچه ای است که از بنی اسرائیل در این سال زائیده شود . فرعون بر زنان ایشان قابله ها گماشت و دستور داد که امسال پسری زائیده نشود جز آنکه باید سرش را برید . يك قابله هم بر مادر موسی گماشت » .^۵

۴- کمال الدین ج ۱ صفحات ۱۴۱ تا ۱۴۵ .

۵- همین کتاب ص ۱۴۷ .

قرآن میفرماید: «ما به مادر موسی وحی کردیم که او را شیرده و هرگاه بر او ترسان شدی به دریا افکن و مترس و غمین مباش ما او را به سوی تو بازگردانیم و از پیامبران قرارش دهیم»^۶.

زن فرعون در پلاژ سلطنتی نشسته بود صندوقی بر آب دید آن را گرفتند و کودکی در آن یافتند.

قرآن میفرماید: «زن فرعون به همسرش گفت روشنی چشم برای من و تو است او را مکشید. باشد که به ما سود برساند یا اینکه او را به فرزندی میگیریم در حالی که نمیدانستند...»^۷ موسی در میان خاندان فرعون ماندنی شد مادر و خواهر و قابله هم درباره او چیزی اظهار نکردند تا مادر و قابله هردو مردند موسی بزرگ شد و بنی اسرائیل هیچ اطلاعی از او نداشتند. بنی اسرائیل او را میجستند و از او میپرسیدند و بی اطلاع بودند. تا خدا او را به رسالت برگزید سپس نزد فرعون و یارانش فرستاد تا او را به پرستش خدای یگانه بخواند.

عزیر

عزیر از رهبران طایفه بنی اسرائیل بود... روزی سر راه به ویرانه‌ای رسید... اجساد مردگان در هر گوشه بچشم می خورد ، به کنار دیواری تکیه داد و گفت:

«بحیرتم که خدا چگونه باز این مردگان را زنده خواهد کرد؟»
 خداوند او را صدسال میرانید... وی در این مدت از دیدگان قومش غایب و پنهان بود و احدی نمی دانست که عزیر در کجاست؟ تا اینکه خداوند

۶- سوره قصص آیه ۷ .

۷- سوره قصص آیه ۹ .

اورا زنده گردانید (سوره ۲، آیه ۲۵۹) .

یونس

مردم با یونس سر لجاج گذارده و بدو ایمان نمی آوردند وی از اعمال آنان دلگیر شده و با کشتی قصد عزیمت کرد، ولی دریاطوفانی شد، همراهانش برای سبک کردن کشتی قرعه کشیدند تا یکی را به دریا افکنند... سه بار قرعه بنام یونس درآمد، وی خود را به دریا افکند. خداوند ماهی بزرگی را مأمور بلعیدن او نمود... یونس در شکم ماهی به دعا و تسبیح حق پرداخت تا پس از مدتی غیبت از انظار قومش از شکم ماهی رهایی یافت... (سوره ۳۷، آیه های ۱۴۳ و ۱۴۴) .



گرچه مسأله غیبت امام زمان (ع) مسأله بفرنجی است ولی چنانکه خوانندگان گرامی توجه دارند اطلاع از غیبت انبیای گذشته مسأله را کاملاً ساده و در سطحی نازلتر قرار میدهد که امروز پذیرش آن برای هر فرد با انصاف دانشمند آرام بخش روان و مایه حیات و امیدواری است .

چه بسا همین غیبت پیامبران پیشین سرآغازی و دلیلی است برای غیبت نهایی امام زمان (ع) و همانطور که غیبت پیامبران گذشته امتحانی برای امت و پیروانشان بوده، غیبت آن حضرت نیز امتحانی برای سنجیدن اعتقاد ماست . امتحانی خدایی ، امتحانی بزرگ و امتحانی که سرنوشت ما را تعیین میکند . مبادا که در این بزرگ امتحان شکست بخوریم . مبادا که ظاهر فریبنده مهدی نماها ما را بفریبند . مبادا که سخنان افواگران دشمنان فکرمان را مشغول بدارد .

هشیار باشیم

مسأله غیبت قبل از تو شد حضرت

- * رسول اکرم (ص)
- * علی بن ابیطالب (ع)
- * امام حسن مجتبی (ع)
- * امام حسین (ع)
- * امام زین العابدین (ع)
- * امام محمد باقر (ع)
- * امام جعفر صادق (ع)
- * امام موسی کاظم (ع)
- * امام علی بن موسی الرضا (ع)
- * امام محمد بن علی (ع)
- * امام علی بن محمد (ع)
- * امام حسن بن علی (ع)

مسأله غیبت پیش از تولد حضرت امام زمان (ع) به امر پروردگار وسیله پیامبر عظیم الشان اسلام و جانشینان بزرگوارش مطرح شده و با عبارات گوناگون به مردم تذکر میداده اند که تولدش نهانی است و از انظار مردم پنهان میماند. از جمله :

جابر بن عبدالله انصاری گوید : چون خدای تبارک و تعالی بر پیامبرش آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»^۸ را نازل فرمود عرض کردم : یا رسول الله ، همانا خدا و پیامبرش را شناختیم ، پس «اولی الامر» کیانند که پروردگار فرمانبرداری آنان را در شمار فرمانبرداری شما قرار میدهد ؟

فرمود : آنان جانشینان و امامان مسلمانان پس از من هستند . اول آنان علی بن ابیطالب سپس حسن سپس حسین ... سپس حسن بن علی سپس همام و هم کنیه من حجة خدا در زمین و بقیة الله در بین بندگانش ، فرزند حسن بن علی است ، آنکه خداوند مشرق و مغرب زمین را به دست او بگشاید و اوست که از شیعیان و دوستانش غایب میشود ، غایب شدنی که کسی بر امامت او ثابت نمیماند مگر آن که خداوند قلبش را به ایمان آزموده باشد . جابر گوید : عرض کردم یا رسول الله ، آیا شیعیان در زمان غیبت آن بزرگوار از وجود آن حضرت برخوردار میشوند ؟

حضرت فرمود: بلی، سوگند به آن که مرا به نبوت برانگیخت، بر استی
 انسان در زمان غیبت از نورش استضاءه مینمایند و از ولایتش برخوردار
 میشوند، مانند برخوردار شدن آنان از خورشید اگر چه در پس پرده ابر باشد.^۹
 بنابراین اعتقاد به مهدویت و غیبت امام زمان (ع) بنا به فرمایش رسول
 اکرم (ص) از قرآن مجید ریشه میگیرد. چه حدود صدوسی آیه دیگر بر این مطلب
 گواه است.

از رسول اکرم (ص):

«مهدی از فرزندان من است نامش نام من و کنیه اش کنیه من، از لحاظ
 خوی و روش و خلقت و آفرینش از همه به من شبیه تر است او دارای غیبت
 و تکرانی است که در آن ایام امتها گمراه شوند سپس همانند ستاره
 درخشان طلوع میکند و زمین را پر از عدل و داد مینماید چنانکه پر از ظلم و
 جور شده باشد»^{۱۰}.

از علی بن ابیطالب (ع):

«برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی است گویا من شیعه را
 می بینم که در غیبتش چون چهار پایان جولان میزنند و چراگاه میجویند و بدست
 نمی آورند. آگاه باش! هر کس بر دین خود ثابت بماند و دلش در اثر طول
 غیبت امام دچار قساوت نشود او در روز قیامت در درجه من و بامن است.
 سپس فرمود: بر استی قائم ما چون قیام کند برای کسی در گردش

۹- منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر (ع) تألیف لطف الله صافی گلپایگانی ص ۱۰۱

چاپ مرکز نشر کتاب (تهران) و ص ۲۵۳ کمال الدین .

۱۰- کمال الدین ، ص ۲۸۶ .

بیعتی نباشد و از این جهت است که ولادتش پنهان و شخص را غایب است»^{۱۱}.

از امام حسن مجتبی (ع) :

«خدای عزوجل ولادت حجة بن الحسن را مخفی سازد و شخص او را پنهان کند تا آنکه هنگام ظهور بیعت احدی به گردن او نباشد و او نهمین فرزند برادرم حسین فرزند زهرا سرور زنان است خدا در زمان غیبتش عمر وی را طولانی میکند سپس او را ظاهر میگرداند در صورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد و از اینجا دانسته میشود که خدا بر هر چیزی توانا است»^{۱۲}.

از امام حسین (ع) :

«نخستین نفر ما امیر المؤمنین علی بن ابیطالب است و آخرین آنان نهمین فرزند من است و او امام قائم به حق میباشد که خدا زمین را بدو پس از مردگی زنده نماید و دین حق را به دست او بر تمام ادیان چیره و پیروز میگرداند اگر چه مشرکان را بدآید. برای او غیبتی طولانی است که جمعی در آن از دین بیرون روند و دیگران بر دین حق پابرجا و ثابت قدم بمانند و آزار شوند و (گروه اول) به مؤمنان طعن زنند و گویند :

این وعده چه وقت عمای میشود اگر شما راستگو هستید؟ آگاه باشید! افرادی که در زمان غیبت او بر آزار و تکذیب آنان شکیبا باشند همچنانند که در رکاب رسول خدا در راه خدا پیکار و جهاد میکنند»^{۱۳}

۱۱- کمال الدین، ص ۲۰۲.

۱۲- کمال الدین، ص ۳۱۶.

۱۳- کمال الدین، ص ۲۱۷.

از امام سجاده علی بن الحسین (ع) :

«... غیبت ولیّ خدا عزوجل طولانی شود، او دوازدهم از اوصیای رسول خدا (ص) و ائمه بعد از اوست... مردم زمان غیبت او که به امامت او معتقد و در انتظار ظهورش باشند از مردم هر زمانی برترند خدای تبارک و تعالی... آنانرا در آن زمان همچون افرادی قرار داده که در رکاب رسول خدا (ص) با شمشیر جهاد میکنند، آنان در حقیقت دارای نیستی پاکند و نیز آنان از روی صداقت و راستی شیعه و پیرو ما بوده و در پنهانی و آشکارا مردم را به سوی خدای عزوجل میخوانند»^{۱۴}.

از امام محمد باقر (ع) :

امّ هانی گوید: امام ابو جعفر محمد بن علی را ملاقات کردم و درباره آیه: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُفِ الْجَوَارِ الْكُنُفِ» از او پرسیدم .
فرمود: «مقصود امامی است که در زمان خود به سال دویست و شصت هجری قمری پنهان میشود سپس به مانند ستاره‌ای درخشان در تاریکی شب پدیدار شود اگر او را درک کردی دو چشمت روشن باد»^{۱۵}.

از امام صادق (ع) :

برای قسائم پیش از آنکه قیام کند غیبتی است... اوست منتظر، اوست که درباره ولادتش شك کنند، برخی گویند: «در شکم است» جمعی

۱۴- کمال الدین، ص ۲۲۰.

۱۵- کمال الدین، ص ۲۲۵.

گویند «او غایب است» بعضی گویند: «متولد نشده است» وعده‌ای گویند: «دو سال پیش از وفات پدرش متولد شده است» فقط خدا دوست دارد که شیعه را امتحان کند. در این هنگام است که باطل جویان در شك افتند...^{۱۶}.

از امام موسی بن جعفر (ع):

یونس بن عبدالرحمن گوید: شرفیاب حضور امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام شدم و به او عرض کردم: یا بن رسول الله تو قائم بالحق میباشی؟ فرمود: «من هم قائم بالحق هستم ولی آن قائمی که زمین را از دشمنان خدای عزوجل پاک کند و آن را پراز عدالت نماید چنانکه پراز جور و ستم شده باشد پنجمین فرزند من میباشد و برای او غیبتی طولانی است... گروهی در آن دوره برگردند و مرتد شوند و دیگران ثابت قدم بمانند...»^{۱۷}.

از امام علی بن موسی الرضا (ع):

«قائم، چهارمین فرزند من است خدا او را تا روزی که بخواهد در پرتو غیبت پنهانش میکند سپس او را ظاهر میگرداند تا زمین را پراز عدل و داد نماید همانگونه که پراز ظلم و ستم شده است»^{۱۸}.

از امام محمد بن علی الجواد (ع):

عبدالعظیم حسنی گوید: خدمت امام محمد بن علی (ع) رسیدم میخواستم درباره قائم بپرسم که آیا قائم همان مهدی است یا دیگری؟ او آغاز سخن کرد و فرمود: «ای ابوالقاسم، قائم ما همان مهدی است

۱۶- کمال الدین، ص ۲۴۲.

۱۷- کمال الدین، ص ۳۶۱.

۱۸- کمال الدین، ص ۳۷۶.

که واجب است در زمان غیبت انتظارش کشند و در زمان ظهور فرمائش برند. او سومین فرزند من است. سوگند به آن که محمد (ص) را به نبوت برانگیخت و ما را به امامت مخصوص کرد اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد خدا آن روز را طولانی کند تا ظهور نماید و زمین را پراز عدل و داد گرداند همانگونه که پراز جور و ستم شده باشد...»^{۱۹}.

از امام علی بن محمد الهادی (ع)

در پاسخ نامه علی بن مهزیار که درباره فرج سؤال کرده بود چنین مرقوم داشتند: «آن هنگام که صاحب شما از دیار ستمگران پنهان شد و غیبت کرد در انتظار فرج باشید»^{۲۰}.

از امام حسن عسکری (ع):

«گویا می بینیم، شما بعد از من درباره جانشینم اختلاف دارید آگاه باشید که هر کس به امامان بعد از پیامبر اعتراف کند و منکر امامت فرزندانم شود چون کسی باشد که به همه پیامبران و انبیای الهی اعتراف کرده و منکر نبوت رسول خدا گردد و منکر رسول خدا مانند منکر همه پیغمبران خداست. زیرا اطاعت آخرین ما چون اطاعت نخستین فرمان لازم است و کسی که منکر آخرین فرد ما باشد، مانند آن است که نخستین فرد ما را انکار نماید. آگاه باشید! برای فرزندانم غیبتی است که مردم در آن دچار شك و تردید میشوند مگر کسی که خدایش نگهدارد»^{۲۱}.

۱۹- کمال الدین، ص ۲۷۷.

۲۰- کمال الدین، ص ۲۸۰.

۲۱- کمال الدین، ص ۴۰۹.

نکاتی که در این بخش حائز اهمیت فراوان است :

اولاً - سخنان پیشوایان اسلام منحصر نیست به آنچه خوانندگان محترم ملاحظه فرمودند زیرا با نگرشی ساده به دست می‌آید که علاوه بر آنچه مذکور افتاد احادیث فراوانی در دست است که امام زمان (ع) دارای دو غیبت است^{۲۲} و نیز نودویک روایت دیگر داریم که به صراحت کامل اعلام میدارد که امام زمان (ع) دارای غیبت طولانی است^{۲۳}.

ثانیاً - تمام پیشوایان دین غیبت را یکی از ویژگیهای امام زمان (ع) شمرده‌اند تا مسلمانان در شناخت و اعتقاد به حضرت ولی عصر (ع) دچار نگرانی و سرگردانی نشوند و همین مسأله است که مردم بدان آزموده میشوند. تا سیه روی شود آنکه در او غش باشد.

۲۲- منتخب الاثر، ص ۲۵۱.

۲۳- منتخب الاثر، ص ۲۶۴.

کتابهای غیبت قبل از ولادت
امام زمان (ع)

* معرفی مؤلفان

* اصالت غیبت

اخبارِ غیبت قبل از تولد امام زمان (ع) از ناحیه پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرين صادر میشود و همگان را متوجه آينبیده اسلام مينمايد که دوازدهمین جانشين پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت مهدی است و او دارای دو غیبت است: صغری و کبری .

اخبار غیبت همانند سایر اخباری که از معصومین نقل میشود حفظ و نگهداری میگشت . و این شایان توجه است که مشاهده میشود کتابهایی در خصوص غیبت در دوران ائمه اطهار تألیف میگردد از آن جمله است :

۱ - کتاب مشیخه تألیف حسن بن محبوب زراد از اصحاب امام هشتم که قریب يك قرن پیش از تولد حضرت حجت (نیمه دوم قرن دوم هجری) این کتاب را نگاشته و در آن روایاتی درباره غیبت حضرت مهدی آورده است^{۲۴} .

۲ - کتاب غیبت علی بن حسن بن محمد طائی طاطری که مردی فقیه و موثق بوده و از اصحاب امام موسی بن جعفر (ع) است^{۲۵} .

۳ - کتاب غیبت علی بن عمر اعرج کوفی که او نیز از اصحاب امام موسی بن جعفر است^{۲۶} .

۴ - کتاب غیبت ابراهیم بن صالح انماطی کوفی که از اصحاب امام موسی بن جعفر میباشد^{۲۷} .

۲۵ - رجال شیخ طوسی، ص ۳۵۷ .

۲۷ - قاموس الرجال، جلد ۳، ص ۱۹۳ .

۲۴ - کتاب اعلام الوری .

۲۶ - رجال نجاشی ، ص ۱۹۴ .

۵ - کتاب غیبت حسن بن علی بن ابی حمزه که معاصر با امام هشتم حضرت رضا (ع) بوده است^{۲۸}.

۶ - کتاب غیبت عباس بن هشام ناشری اسدی (متوفی ۲۲۰ هجری) که مردی جلیل القدر و موثق^{۲۹} بوده و شیخ طوسی او را از اصحاب حضرت رضا می شمارد^{۲۹}.

۷ - کتاب غیبت فضل بن شاذان نیشابوری که از فقها و متکلمین و از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری است. وفاتش در سال ۲۶۰ اتفاق افتاد وی یکصد و هشتاد کتاب نوشته است^{۳۰}.

۸ - کتاب غیبت ابراهیم بن اسحاق احمري نهاوندي که معاصر امام حسن عسکری بوده است^{۳۱}.



آگاهی از این کتابها اصالت غیبت امام زمان را به حدی روشن میسازد که برای هر فرد خردمند جای هیچگونه تردید و ابهامی باقی نمی گذارد. و بدان جهت است که رسول اکرم (ص) میفرمایند انکار خروج و قیام مهدی بمنزله کفر است^{۳۲}.

هر که قائم فرزندان مرا منکر شود در حقیقت مرا انکار کرده است^{۳۳}.
هر که قائم فرزندان مرا منکر شود مانند مردم زمان جاهلیت مرده است^{۳۴}.

۲۸ - همان کتاب، همان صفحه .
۲۹ - رجال شیخ طوسی، صفحات ۴۲۰ و ۴۲۴ .
۳۰ - رجال نجاشی، ص ۲۱۵ .
۳۱ - فهرست شیخ طوسی، ص ۲۹ .
۳۲ - منتخب الاثر، ص ۱۴۹ .
۳۳ و ۳۴ - منتخب الاثر ص ۴۹۲

رسوخ اعتقاد به غیبت حضرت در افکار مردم

- * محمد بن حنفیه
- * زید بن علی بن الحسین
- * چارودیه
- * اسماعیلیه

مسلمانان همیشه امام زمان (ع) را همزاه و همگام با غیبتش می‌شناخته‌اند و این فکر چنان در اذهان و افکارشان ریشه دوانده و رسوخ پیدا کرده است که اگر این عقیده را از آنان بگیرند بمانند آن است که اسلامشان را گرفته‌اند! و بهمین دلیل بوده که همواره متمه‌دیان دارای غیبت کاذب بوده‌اند بدان معنی که پیروانشان میکوشیده‌اند که متمه‌دی خود را دارای غیبت جلوه دهند تا افراد ساده لوح به گمان آنکه او همان مهدی موعود اسلام است زودتر فریب خورده و تن به زیر بار طاعت وی بنهند اینک برخی از آنان را یادآور میشویم :

محمد بن حنفیه

پس از مرگ یزید ، عبدالله بن زبیر قیام کرد . محمد بن حنفیه که از فرزندان با فضیلت حضرت علی علیه السلام بود با وی بیعت نکرد و به زندان افتاد . مقارن همین ایام مختار پسر ابو عبیده ثقفی برای گرفتن انتقام خون امام حسین (ع) بر حکومت شورید و چون از حضرت سجاد که «ولی دم» بود اجازه نداشت^{۳۵} و خونخواهی خود را بی اساس احساس میکرد خویشتن

۳۵- هنگامی که کسب اجازه نمود امام علیه السلام او را شایسته خونخواهی پسر بزرگوارشان ندیدند و به وی این اجازه را ندادند .

را بدروغ نمایندۀ محمد حنفیه معرفی کرد لذا گروهی را به مکه فرستاد تا او را از چنگال عبدالله نجات دادند سپس محمد حنفیه را امام چهارم و قائم موعود نامید ، وی از مختار رنجید و از او کناره گرفت طولی نکشید که مختار کشته شد، اما پیروانش که به کیسانیه شهرت داشتند، بر مهدویت محمد بن حنفیه پایدار ماندند حتی پس از مرگ محمد وفات او را باور نکردند و معتقد به غیبت او شدند و منتظر ظهور و قیام او گشتند .

زید بن علی بن الحسین

این مرد از زهاد برجسته زمان خویش بشمار میرود . از ظلم و ستم مروان بن بر ضد هشام بن عبدالملك قیام نمود لیکن هنگام مبارزه و جنگ شهید گشت . عمال مروان بدن وی را در کوفه به دار آویختند جسد او حدود پنج سال روی چوبه دار بود تا روزگاری که ولید بن یزید به حکومت رسید دستور داد بدن او را بسوزانند و خاکسترش را بر آب بریزند. پیروان زید که به نام زیدیه مشهورند معتقد شدند که جناب زید ، امام برحق است که از انظار مردم غایب و پنهان گشته است و روزی باز خواهد گشت .

جارودیه

محمد بن عبدالله نفس زکیه را مهدی خواندند و پس از مرگش او را غایب از مردم و دارای غیبتی طولانی پنداشتند .

اسماعیلیه

اسماعیل پسر امام جعفر صادق (ع) را مهدی موعود دانسته و معتقد شدند که او نمرده بلکه غیبت اختیار نموده است و روزی ظاهر خواهد شد

و جهان را پراز عدل و داد خواهد کرد .



ناگزیر باید اعتراف کرد که:

غیبت کاذب مهدی نمایان دلیل است بر اصالت غیبت امام زمان (ع) .

چه همواره باطل در سایه حق پیش میرود .

سکه های تقلبی در اثر وجود و پیدایش سکه های اصیل پدید می آید .

آری ، امام زمان (ع) است که دارای دو غیبت است، نه هر که غیبت

داشت امام زمان !!!

امام زمان (ع) غایب می شود

* ولادت

* غیبت صغری

* غیبت کبری

امام زمان (ع) مقارن ایام خلفای جابر عباسی تولد می یابد. خلیفه وقت طبق اخباری که از پیامبر و ائمه رسیده بود میدانست که نهضت امام زمان (ع) نهضتی کوبنده است که تاروپود ستم و بیدادگری را از صحنه گیتی براندازد. لذا خلفای غاصب ستمگر در کمین بودند تا هر گونه اثری که از اهل بیت نبوت به دست آورند نابودش کنند. و بهمین نظر بود که متوکل عباسی در سال ۲۳۵ هـ. ق. فرمان داد تا حضرت امام هادی (ع) و بستگانش از مدینه به سامرا عازم شوند تا در آنجا تحت نظر باشند^{۳۶}.

و نیز معتمد عباسی با تمام قوا میکوشید که از اوضاع داخلی خانه امام حسن عسکری آگاه و باخبر باشد^{۳۷}.

پروردگار متعال برای حفظ امام زمان (ع) از سوء قصد ستمگران تولد و زندگی او را همچون ابراهیم و موسی پنهان و مخفی داشت تا آن حضرت گرفتار حکام ستمگر و وادار به بیعت و فرمانبرداری از آنان نشود.

ولادت

حضرت امام زمان (ع) سحرگاه پانزدهم شعبان ۲۵۵ هجری قمری از مادر گرامیش نرجس تولد یافت

۳۶- مروج الذهب مسعودی .

۳۷- کافی جلد ۲ باب مولد ابی محمد العسکری، صفحات ۵۶۱ تا ۵۸۱ هـ ترجمه کمره ای

و منتخب الاثر، ص ۲۶۰ .

امام حسن عسکری تولد جانشین خود را به دوستانِ مخصوص و پیروانش خبر داده است چنانکه اصحاب امام یازدهم سخنانی را از ایشان نقل میکنند که درخور توجه است:

الف - احمد بن اسحاق بن سعد گوید: از امام حسن شنیدم که میفرمود: «ستایش خدایی را سزا است که مرا از دنیا نبرد مگر اینکه جانشین پس از خودم را به من نمایاند. درخوی و روش و شکل و آفرینش از همه به پیامبر شبیه تر است»^{۳۸}.

ب - احمد بن حسن بن اسحاق قمی گوید: چون خلف صالح متولد شد از مولایم امام حسن عسکری به جدم احمد بن اسحاق نامه ای رسید که به خط خودش در آن نوشته بود که:

«برای ما فرزندی متولد شد باید نزد تو پوشیده بماند و از همه مردم پنهان باشد زیرا ما از آن آگاه نکنیم مگر خویش را به جهت نزدیک بودنش و دوستی را به جهت دوستیش. دوست داشتیم که به تو اعلام کنیم تا خدا تو را بدان شاد گرداند همچنانکه ما را بدان شاد گردانید والسلام»^{۳۹}.

ج - محمد بن علی بن حمزه گوید: از حضرت امام حسن عسکری شنیدم که میفرمود:

«ولیّ خدا و حجّت او بر بندگان و خلیفه من در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هنگام طلوع فجر به دنیا آمد»^{۴۰}.

گروهی از محدثین و مورخین اهل سنت به ولادت مهدی (ع) در کتب خود اعتراف کرده اند که از نظر اختصار به نقل دو عبارت اکتفا میکنیم:

۳۸ - منتخب الاثر، ص ۲۴۲.

۳۹ - کمال الدین، ص ۴۲۴.

۴۰ - منتخب الاثر، ص ۲۲۰.

الف - حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان در آغاز باب بیست و پنجم صفحه ۵۲۱ که به ضمیمه کتاب کفایة الطالب چاپ شده است^{۴۱} می‌نویسد:

«همانا مهدی پسر امام حسن عسکری از زمین غیبتش تاکنون زنده و باقی است و بقاء او به دلیل بقاء عیسی و خضر و الیاس امتناعی ندارد» .

ب - خواجه کلان قندوزی حسینی شافعی می‌نویسد که: ابی‌غانم خادم گوید: برای امام حسن فرزندی متولد شد که او را «محمد» نامید و روز سوم او را به اصحابش نشان داد و فرمود:

«این پس از من جانشین من و امام شماست و اوست قائمی که همه در انتظار ظهورش گردن کشند...»^{۴۲}

پژوهشگران برای اطلاع بیشتر به کتب اهل سنت که فهرست آن در بخش آینده نقل خواهد شد مراجعه فرمایند .



غیبت صغری

امام‌زمان به سبب اقدامات شدید خلیفه وقت پنهان و از دیدگان مردم غایب می‌شود . اما موظف است که خود و هدفش را به مردم بشناساند و در ضمن پاسخگوی اشکالات شیعیانش هم باشد .

برای اجرای این منظور چهار نفر نایب یکی پس از دیگری از خواص بزرگان شیعه انتخاب میشوند تا بهنگام نیاز خدمت امام شرفیاب شوند و

۴۱- چاپ دوم سال ۱۳۹۰ ه. ق. ۱۹۷۰ م. مطبعة الحیدریه - النجف .

۴۲- بنایع المودة، ص ۶۰ و منتخب الاثر، ص ۲۴۲ .

وظیفه محوله را به ایفا رسانند. این بزرگواران را نواب اربعه یا نواب خاصه با وکلاء و ابواب امام مینامیدند و این دوره را غیبت صغری نام نهادند. غیبت صغری ۶۹ سال یعنی از سال ۲۶۰ تا ۲۲۹ هجری قمری بطول انجامید و نواب خاصه در ایام غیبت صغری عبارت بودند از:

۱ - جناب عثمان بن سعید عمروی از اصحاب و شاگردان امام هادی و امام عسکری است که در زمان ایشان از طرف آنان نیابت و وکالت داشته و سرانجام به نیابت حضرت مهدی مفتح گردیده است.

۲ - جناب محمد بن عثمان بن سعید از اصحاب امام یازدهم است وی از افراد ثقه و مورد اطمینان امام بوده و پس از پدرش بیش از چهل سال عهده دار نیابت خاصه بوده است^{۴۳}.

وی در هنگام وفات به دستور امام زمان (ع) نایب سوم یعنی حسین بن روح را به مردم معرفی کرد.

۳ - جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی فردی بسیار باهوش و باوقار و دورانیش بود و کار شیعیان را با نهایت حزم و کیاست اداره میکرد. هنگامی که مرگش فرارسید ابوالحسن علی بن محمد سیمری را به امر امام زمان (ع) به جانشینی برگزید.

۴ - جناب ابوالحسن علی بن محمد سیمری از شاگردان مکتب امام حسن عسکری است که پس از فوت حسین بن روح به وکالت رسید.

۴۲ - امام عسکری درباره این دونفر به یکی از صحابه خاص خود میفرماید: «عمرویی و پسرش هر دو مورد اطمینانند آنچه آنها به تو بپردازند از من برداخته‌اند و آنچه ایشان گویند از من گفته‌اند. پس سخن آن دورا گوش کن و امرشان را اطاعت نمای برستی که ایشان مورد امن و اطمینان هستند.» (بحار ج ۵۱ ص ۲۴۸ و منتخب ص ۳۹۵).

غیبت کبری

در سال ۳۲۹ هجری توفیقی از ناحیه امام زمان (ع) بنام او صادر گشت که حاوی موارد زیر بود: *

- ۱ - اخبار به مرگ علی بن محمد در فاصله شش روز .
 - ۲ - مسدود شدن باب نیابت خاصه .
 - ۳ - اعلان آغاز غیبت کبری .
 - ۴ - طولانی شدن غیبت کبری .
 - ۵ - اشاعه ظلم و بیدادگری در سراسر جهان پیش از ظهور .
 - ۶ - منوط بودن ظهور به امر الهی .
 - ۸ - پیشگویی به آمدن مدعیان دروغین به عنوان نیابت خاصه .
- پس از وفات علی بن محمد سیمری غیبت کبری آغاز گردید که هنوز هم ادامه دارد . پروردگارا ظهورش را نزدیک گردان .

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ

کتابهای غیبت بعد از امام حسن
عسکری (ع)

* کتب اهل تشیع
* کتب اهل تسنن

کتابهایی که در پیرامون غیبت امام زمان (ع) تألیف گشته فراوان است . فقط در اینجا بعنوان نمونه تعدادی از آنها را در دو بخش جداگانه نقل خواهیم کرد .

کتاب اهل تشیع :

- ۱ - محاسن تألیف ابی جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی متوفی در سال ۲۷۴ .
- ۲ - کتاب غیبت تألیف عبدالله بن جعفر بن حسن حمیری متوفی در سال ۲۹۰ .
- ۳ - کتاب غیبت تألیف محمد بن قاسم بغدادی متوفی در سال ۳۲۸ .
- ۴ - کافی والروضه تألیف محمد بن یعقوب کلینی متوفی در سال ۳۲۹ .
- ۵ - اثبات الوصیه تألیف علی بن حسین مسعودی صاحب مروج الذهب متوفی در سال ۳۳۳ .
- ۶ - کتاب غیبت تألیف سلامه بن محمد بن اسماعیل ارزنی متوفی در سال ۳۳۳ .
- ۷ - کتاب غیبت تألیف حسن بن حمزه بن عبدالله متوفی در سال ۳۵۸ .
- ۸ - کتاب غیبت تألیف حسن بن محمد بن یحیی (معروف به ابن اخی طاهر) متوفی در سال ۳۵۸ .

- ۹ - کتاب غیبت تألیف احمد بن محمد بن عمران (معروف به ابن جندی) متوفی در سال ۳۹۶ .
- ۱۰ - کتاب غیبت تألیف محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی متوفی در اواسط قرن چهارم .
- ۱۱ - کتاب غیبت تألیف حنظله بن زکریا بن یحیی متوفی در قرن چهارم .
- ۱۲ - کمال الدین و تمام النعمة تألیف محمد بن علی بابویه قمی ملقب به صدوق که این کتاب را بنا به امر حضرت جمع آوری نموده است، متوفی در سال ۳۸۱ .
- ۱۳ - من لا یحضر الفقیه تألیف محمد بن علی بابویه قمی معروف به شیخ صدوق .
- ۱۴ - کفایة الاثر فی النصوص علی الأئمة اثنی عشر تألیف علی بن محمد ابن علی خراز رازی (معروف به قمی) از شاگردان شیخ صدوق .
- ۱۵ - دلائل الامامة تألیف محمد بن جریر بن رستم طبری متوفی در قرن چهارم .
- ۱۶ - ارشاد تألیف شیخ مفید متوفی در سال ۴۱۳ .
- ۱۷ - امالی تألیف شیخ مفید
- ۱۸ - المسائل العشرة فی الغیبة تألیف شیخ مفید .
- ۱۹ - مختصر فی الغیبة تألیف شیخ مفید .
- ۲۰ - جوابات الفارقیین فی الغیبة تألیف شیخ مفید .
- ۲۱ - النقص علی الطلحی فی الغیبة تألیف شیخ مفید .
- ۲۲ - کتاب غیبت تألیف محمد بن محمد بن نعمان مفید متوفی در سال ۴۱۳ .
- ۲۳ - مقنع تألیف سید مرتضی متوفی در سال ۴۳۶ .

- ۲۴ - البرهان علی صحة طول عمر الامام صاحب الزمان (ع) تألیف
ابی الفتح محمد بن عثمان کراچی متوفی ۴۴۹ .
- ۲۵ - کتاب غیبت تألیف شیخ الطایفه محمد بن حسن طوسی متوفی
در سال ۴۶۰ .
- ۲۶ - کتاب غیبت تألیف مظفر بن علی بن حسین حمدانی متوفی در
قرن پنجم .
- ۲۷ - نزهة الناظر و تنبيه الخاطر تألیف حسین بن محمد بن حسن
حلوانی متوفی در قرن پنجم .
- ۲۸ - اعلام الوری تألیف فضل بن حسن طبرسی متوفی در سال ۵۴۸ .
- ۲۹ - بشارة المصطفی لشيعة المرتضى تألیف عماد الدین ابی جعفر
طبری آملی متوفی در قرن ششم .
- ۳۰ - كشف المحجة لثمرة المهجة تألیف علی بن موسی حسینی متوفی
۶۶۴ .
- ۳۱ - كشف الغمة تألیف ابی الفتح علی بن عیسی اربلی نوشته شده در
سال ۶۸۷ .
- ۳۲ - المحجة فيما نزل في القائم الحجة^{۴۴} تألیف سید هاشم بحرانی
متوفی در سال ۱۱۰۷ .
- ۳۳ - تبصرة الولی فی من رای القائم المهدي تألیف سید هاشم بحرانی .
- ۳۴ - بحار الأنوار جلد سیزدهم^{۴۵} تألیف مرحوم ملا محمد باقر مجلسی
متوفی در سال ۱۱۱۰ .

۴۴ - این کتاب به همراه غایة المرام از همین نویسنده چاپ شده است .

۴۵ - چاپ جدید جزوهای ۵۲، ۵۳، ۵۱ .

- ٣٥ - كشف الاستار عن وجه الغائب عن الأبصار تأليف حاج ميرزا حسين محدث نوري متوفى در سال ١٣٢٠ .
- ٣٦ - النجم الثاقب تأليف حاج ميرزا حسين محدث نوري .
- ٣٧ - تبیین المحجة الى تعيين الحجة تأليف حاج ميرزا محسن تبریزی متوفى در سال ١٣٥٢ قمری .
- ٣٨ - البرهان على وجود صاحب الزمان تأليف سيد محسن امين شامی متوفى در سال ١٣٧١ .
- ٣٩ - اعيان الشيعة تأليف سيد محسن امين شامی .
- ٤٠ - المهدي تأليف آية الله صدر الدين صدر متوفى در سال ١٣٧٣ .



کتاب اهل تسنن :

- ١- المهدي (بخشی از سنن ابی داود) تأليف حافظ ابوداود سجستانی .
- ٢ - الاربعين تأليف حافظ ابونعيم اصفهانی .
- ٣ - مناقب المهدي تأليف حافظ ابونعيم اصفهانی .
- ٤ - نعت المهدي تأليف حافظ ابونعيم اصفهانی .
- ٥- عرف الوردی فی اخبار المهدي تأليف حافظ جلال الدين عبدالرحمن سيوطی .
- ٦ - البيان فی اخبار صاحب الزمان تأليف حافظ محمد بن يوسف گنجی شافعی .
- ٧ - القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر تأليف حافظ شهاب الدين ابن حجر هيثمی .

- ٨ - عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر تألیف شیخ جمال الدین یوسف دمشقی .
- ٩ - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان تألیف علاء الدین متقی هندی .
- ١٠ - الهدیه الندیہ تألیف ابوالمعارف قطب الدین دمشقی .
- ١١ - المهدی الی ما ورد فی المهدی تألیف شمس الدین محمد بن طولون .
- ١٢ - المشرب الوردی فی مذهب المهدی تألیف ملا علی القاری .
- ١٣ - اخبار المهدی تألیف حماد بن یعقوب .
- ١٤ - علامات المهدی تألیف حافظ سیوطی .
- ١٥ - القول المختصر فی علامات المنتظر تألیف جمال الدین مقدسی .
- ١٦ - التوضیح فی تواریخ ماجاء فی المنتظر والدجال والمسیح تألیف امام شوکانی .
- ١٧ - ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون تألیف استاد احمد محمد صدیق .
- ١٨ - الامامة لما كان ويكون بین یدی الساعة تألیف ابوطیب بن ابی احمد الحسینی .
- ١٩ - مسند تألیف احمد حنبل شیبانی .
- ٢٠ - صحیح تألیف محمد بن اسماعیل بخاری .
- ٢١ - صحیح تألیف مسلم بن حجاج نیشابوری .
- ٢٢ - صحیح تألیف ابو عیسی ترمذی .
- ٢٣ - سنن نسایی تألیف احمد بن شعیب نسایی .
- ٢٤ - سنن ابوداود تألیف سلیمان بن اشعث سجستانی .

- ۲۵ - سنن ابن ماجه تألیف ابو عبدالله محمد بن ماجه قزوینی .
- ۲۶ - حدیث الولاية تألیف محمد بن جریر طبری .
- ۲۷ - شرح السنة تألیف حافظ فراء بغوی .
- ۲۸ - المصابیح تألیف حافظ فراء بغوی .
- ۲۹ - جامع الاصول تألیف مجدالدین ابن اثیر .
- ۳۰ - جواهر المقدین تألیف نورالدین سمهودی .
- ۳۱ - شواهد النبوة تألیف نورالدین عبدالرحمن جامی .
- ۳۲ - فتوحات مکیه تألیف محی الدین بن عربی .
- ۳۳ - عنقاء مغرب تألیف محی الدین بن عربی .
- ۳۴ - کنوز الحقائق تألیف زین الدین مناوی .
- ۳۵ - اسماء الراغبین تألیف ابو العرفان صبان .
- ۳۶ - تذکرة الخواص تألیف سبط بن جوزی .
- ۳۷ - موالید اهل البيت تألیف ابن خشاب .
- ۳۸ - تاریخ کامل تألیف ابن اثیر .
- ۳۹ - فتوحات اسلامیة تألیف احمد زینی دحلان .
- ۴۰ - فرائد السمطین تألیف شیخ الاسلام حموی .
- ۴۱ - مطالب السؤل تألیف ابن طلحه شافعی .
- ۴۲ - ینابیع الموده تألیف قندوزی حنفی .
- ۴۳ - مکاشفات تألیف مولوی علی اکبر بن اسدالله هندی .
- ۴۴ - الیواقیت والجواهر تألیف عبدالوهاب شعرانی .
- ۴۵ - فصل الخطاب تألیف محمد بن محمد بخاری .
- ۴۶ - مرآة الاسرار تألیف عبدالرحمن عارف دهلوی .
- ۴۷ - الحدیث المتسلسل تألیف احمد بن ابراهیم بلاذری .

- ۴۸ - عقائد الاکابر تألیف عبدالرحمن دشتی .
 ۴۹ - کفایة الطالب تألیف محمد بن یوسف گنجی .
 ۵۰ - روضة الاحباب تألیف عطاء الله غیاث الدین .



این فهرست ، نمونه‌ای بود از آثاری که درباره امام غائب (ع) به رشته تحریر درآمده است که راه انکار را بر همه چنان مسدود میکند که منکران را در ردیف منکران ضروری دین قرار میدهد^{۴۶} .

در انتظارِ امام زمان (ع)

- * انتظار فرج
- * ارزیابی انتظار
- * انتظار وظیفه‌است؟

انتظار فرج

هر فردی را نرسد که خود را در انتظار فرج امام غایب بداند چه قومی که در انتظار مصالح هستند باید خود صالح و شایسته باشند و کسی میتواند در صدد اصلاح خود برآید که امام زمان (ع) خود را بشناسد و گرنه بمانند کسی است که در زمان جاهلیت زندگی میکند و بدیهی است که بمانند مردم جاهلیت هم خواهد مرد^{۴۷}.

امام ششم میفرماید: «کسانی که این امر (پیشوایی امام زمان خود) را بشناسند همان انتظارشان فرج است»^{۴۸}.

یعنی کسی که امام زمان خود را شناخت و دانست که امام از پیروانش چه انتظار دارد و چه میخواهد بناچار قیام میکند و هر روز که خواسته امام عملی شود همان روز فرج است.

حضرت رضا (ع) میفرماید: «آیا نمیدانی که انتظار فرج جزء فرج است»^{۴۹}.



۴۷- اعلام الوری تألیف شیخ طبرسی، ص ۴۱۵ .

۴۸- بحار الانوار تألیف مرحوم مجلسی، ص ۱۲۹ ج ۵۲ .

۴۹- بحار الانوار تألیف مجلسی، ص ۱۲۰، ج ۵۲ .

از بررسی سخنان گرانمایه ائمه طاهریین (ع) و وظیفه شیعه که شناخت امام و شناخت وظیفه و کوشش در ایفای آن است به روشنی بدست می‌آید و هرگاه تلاش و کوشش روزانه ما در راه اصلاح خود و دیگران به ثمر رسد همان روز فرج است.

پس سررشته فرج به دست ماست، آری به دست ما! و ما باید این رسالت را به انجام رسانیم.

ارزیابی انتظار

انتظار قائم برابر است با شهادت در راه حق! امام صادق (ع) فرمود: «کسی که در انتظار این امر (ظهور امام زمان ع) درگذرد همانند مردی است که او با قائم در خیمه وی است».

پس از این سخن امام، قدری درنگ کرد سپس فرمود:

«نه، بلکه مانند فردی است که در رکاب مهدی شمشیر زده باشد».

سپس فرمود: «نه، به خدا سوگند همانند کسی است که در رکاب پیامبر اکرم (ص) شهید شده باشد»^{۵۰} و نیز آن حضرت میفرماید: «آن کسی که در انتظار امر (ظهور قائم ما) بسر میبرد همانند فردی است که در راه خدا در خون خود غوطه‌ور شود»^{۵۱}.

آری چنین است ارزش فردی که در انتظار فرج است و در اجرای خواسته امام زمان (ع) میکوشد چون فردی است که در آخرین درجه به پیکار و جهاد پردازد و هر روز در خون خود غوطه خورد!!!

۵۰- بحار الانوار جلد ۵۲، ص ۱۲۶.

۵۱- کمال الدین - منتخب الاثر ص ۴۹۸.

انتظار وظیفه‌است ؟

وظیفه شیعه و پیرو امام زمان (ع) در زمان غیبت بس فراوان است که مجال شرح و تفصیل آن نیست و شاید لازم به تذکر هم نباشد زیرا همچنانکه يك كارمند میدانند که در شغل اداریش چه وظایفی دارد یعنی مسئولیت خود را در برابر رئیس خویش احساس میکند چگونه میشود که يك مسلمان واقعی وظیفه‌اش را در برابر مولا و امام زمان خود نداند که چیست ؟

انتظار فرج امام غایب از آن جهت ارزش شهادت در راه حق را دارد که منتظرش در راه بارور کردن آرمانهای عالی اسلامی از پای نمی‌نشیند و افضلیت و برتری این ایده و برنامه‌است که مردم زمان غیبت را از مردمان دیگر زمانها ممتاز ساخته به عقل و هوش خاصی توصیف مینماید .

امام سجاد میفرماید : «بی‌تردید مردم زمان غیبت مهدی که به امامت او معتقد و در انتظار ظهورش هستند از مردم زمانهای دیگر افضل و برترند، زیرا خدای تبارک و تعالی به آنان عقل و درك و شناختی داده‌است که غیبت برایشان بمانند ظهور است (چون امام را باور دارند و بمانند زمان ظهور به خدمتگزاری مشغولند) خدای متعال آنان را در آن زمان همدرجه افرادی قرار میدهد که در رکاب رسول خدا (ص) شمشیر می‌زده‌اند .

آنان در حقیقت دارای نیتی پاک و شیعیان راستین ما بوده و در پنهانی و آشکارا مردم را به سوی خدای عزوجل می‌خوانند»^{۵۲} .



با نگرشی درسرخنان ائمه درباره شناخت امام غایب (ع) و ارزیابی انتظار فرج و برتری خدمتگزاران واقعی امام زمان (ع) وظیفه بلکه وظایف خویش را در برابر آن حضرت درمی یابیم که همواره باید آن حضرت را نگران اعمال خود بدانیم و از کارهای زشت و گناه دست برداریم و برنامه خویش را طوری تنظیم نماییم که در زمره افراد شایسته که قرآن به آنها اشاره میفرماید: **ان الارض یرثها عبادی الصالحون**^{۵۳} درآییم. آن زمان است که در شمار یاران ویژه آن حضرت خواهیم بود.

آری رسیدن به آرمانهای عالی اسلامی در حدود امکان خود نشانه حالت انتظار است.

آیا آنچنان که لازم است دستورات اسلامی را بکار می بندیم تا در زمره منتظران واقعی بشمار آییم؟

خدایا دلی ده که در کار تو جان بازم و جانی ده که کار آن جهان سازیم.

دانایی ده که از راه نیفتیم بینایی ده تا در چاه نیفتیم^{۵۴}

۵۳- انبیاء، ص ۱۰۵. همانا بندگان شایسته من زمین را به ارث می برند.

۵۴- خواجه عبدالله انصاری

فرجام غیبتِ امام زمان (ع)

- * مرده
- * جوانان
- * نقش اسلام
- * شکست و پیروزی
- * آینده از آن اسلام است
- * او
- * کمال
- * بهانه
- * سازندگی
- * نیرو
- * آینده

مژده:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ^{٥٥}.

«و هر آینه در زبور داود به دنبال يك یادآوری قبلی نگاشتیم که همانا

زمین را بندگان نیکو و شایسته من به ارث خواهند برد.»

«... و اما در خصوص اسماعیل ترا اجابت فرمودم اورا

برکت داده بارور گردانم و اورا بسیار گردانم، دوازده

رئیس ازوی پدید آیند و امتی عظیم ازوی بوجود آورم...»

چون خدا از سخن گفتن با وی فارغ شد از نزد ابراهیم

صعود فرمود.»

توراة - سفر پیدایش باب هفدهم

«بسبب شریران خویشان را مشوش مساز و بر

فتنه انگیزان حسد مبر . زیرا که مثل علف بزودی بریده

میشوند. و مثل علف سبز پژمرده خواهند شد. بر خداوند

توکل نما و نیکوئی بکن . در زمین ساکن باش و از امانت

پرورده شو . و در خداوند تمتع ببر . پس مسألت دل ترا
بتو خواهد داد .

طریق خود را بخدا بسپار . و بر وی توکل کن که
آنرا انجام خواهد داد . و عدالت ترا مثل نور بیرون
خواهد آورد . و انصاف ترا مانند ظهر . نزد خداوند ساکت
شو و منتظر او باش . و از شخص فرخنده طریق و مرد
حیله گر خود را مشوش مساز . از غضب برکنار شو و خشم
را ترك كن . خود را مشوش مساز که البته باعث گناه
خواهد شد .

زیرا که شیران منقطع خواهند شد و اما منتظران
خداوند وارث زمین خواهند بود . هان بعد از اندک زمانی
شیر نخواستند بود . در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد
بود . و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد . و از فراوانی
سلامتی متلذذ خواهند گردید . شیر بر مردم عادل
شوری میکند . و دندانهای خود را بر او می افشرد .
خداوند بر او خواهد خندید . زیرا می بیند که روز او
می آید . شیران شمشیر را برهنه کرده و کمانرا کشیده اند .
تا مسکین و فقیر را بیندازند . و راست روان را مقتول
سازند . شمشیر ایشان به دل خود ایشان فرو خواهد
رفت . و کمانهای ایشان شکسته خواهد شد نعمت اندک
يك مرد صالح بهتر است از اندوخته های شیران کثیر .
زیرا که بازوهای شیران شکسته خواهد شد . و اما
صالحانرا خداوند تأیید میکند . خداوند روزهای کاملانرا

میداند . و میراث ایشان خواهد بود تا ابدالآباد . «

کتاب مزامیر - مزمور سی و هفتم

ابدیت و جهانی بودن اسلام

شکست ستمگران و شریبران

و سرانجام پیروزی نیکوکاران

از بشارات قطعی است که به بشریت ابلاغ شده است .

موضوع نخست به اندازه‌ای محکم و غیر قابل تردید است که نیازی به بحث و استدلال در آن زمینه احساس نمیشود . چه حتی یکنفر مسلمان با این مسأله مهم مخالفت نکرده است .

ولی قبل از آنکه بموضوع دوم پردازیم وضع جهان را از نظر فساد و تباهی مورد بحث قرار داده، توجه خواننده را به فهرست آمار جنگها و تسلیحات و اوضاع جاسوسی و فساد اخلاق فردی و اجتماعی و آینده دردناک دول بزرگ دنیا جلب می‌کنیم :

از آغاز قرن هفدهم کشورهای اروپایی در آتش ۲۳۰۰ جنگ سوخته‌اند^{۵۶} .

خبرگزارها خبر دادند که «اسرائیل بیش از هر کشور جهان مخارج نظامی سرانه دارد . رقم ۷۷ دلار مصرف این واقعیت است . یعنی به تعداد هرنفر مرد و زن و بچه سالیانه ۷۷ دلار خرج امور نظامی میکند»^{۵۷} .
آمریکا با ۳۷۹ دلار پس از اسرائیل در مقام دوم و شوروی با مخارج نظامی سرانه ۲۷۰ دلار در مقام سوم قرار دارد .

۵۶- جامعه‌شناسی نوشته ساموئیل گیتک ترجمه مشفق همدانی .

۵۷- مجله علمی و مذهبی مکتب اسلام سال ۱۴ شماره ۱ ص ۷۲ بنقل از کیهان شماره

در سال قبل حدود ۲۱۹ هزار میلیون دلار به مصرف تسلیحات رسیده است و با مقایسه با هزینه‌های تسلیحاتی ده سال گذشته در حدود ۸۲٪ افزایش نشان می‌دهد.^{۵۸}

هم‌اکنون بیش از بیست ماه مصنوعی (جاسوس پرنده) از فراز شوروی و چین می‌گذرد. ماه‌های مصنوعی (میداس) و (ساموس) و (اکسیلور) مرتباً در اطراف کره زمین می‌گردند و اطلاعات ارزنده و تصاویر بسیار جالبی مخابره می‌کنند و با دوربینهای مجهز به چشمهای دارنده اشعه ماوراء قرمز خود مراقب انفجارهای اتمی هستند این گزارشها مرتباً در مراکز مربوطه بررسی میشود.^{۵۹}

آمریکائیه‌ها اگرچه از اقمار جاسوسی خود سخن نمی‌گویند ولی هر سال ۵۰۰ میلیون دلار خرج تکمیل این سیستم می‌نمایند اما طرز کار این دستگاهها جزو اسرار نظامی است.^{۶۰}

کندی در ۱۹۶۲ علناً اعلام داشت که:

آمریکا آینده دردناکی پیدا خواهد نمود. چه جوانان بی‌بندوبار و غرق در شهواتند و دیگر حاضر نیستند وظایفی را که به آنان محول میگردد بخوبی انجام دهند مثلاً از میان هر هفت تن جوانی که به سربازی اعزام میشوند شش تن نالایق و سست از آب درمی‌آیند و این بدان سبب است که افراط در شهوترانی استعدادهای بدنی و روانی آنان را کاسته است.^{۶۱}

پروفیمو وزیر جنگ انگلیس بخاطر تمتع از لذات جنسی اسرار دولت

۵۸- مکتب اسلام سال ۱۴، شماره ۲ اسفندماه ۵۱ بنقل از مطبوعات.

۵۹- کیهان شماره‌های مسلسل ۶۴۰۲-۶۴۰۴.

۶۰- اطلاعات ۱۱۹۹۲ بنقل از منابع اورور-فرانس سوآر.

۶۱- کتاب سیمای جهل در غرب صفحات ۱۴۵ و ۱۴۴.

خود را در معرض خطر قرارداد . وی میخواست که خاطر معشوقه خود را جلب کند...^{۶۲}

خروشچف نیز مانند کندی در ۱۹۶۲ تصریح کرد که :
آینده شوروی در خطر است و جوانان هرگز آتیه امیدبخشی ندارند
چه بی بندوبار و اسیر شهوات گشته اند.^{۶۳}

رئیس دادگاه عالی طلاق انگلستان چنین میگوید :
انگلستان در هر سال چهار میلیون لیره خرج طلاق میکند! در صورتیکه
نصف این مبلغ صرف ازدواج نمیشود.^{۶۴}

خبرگزاری اسوشیتد پرس :
از هر پنج دختر انگلیسی که برای ازدواج بکلیسا میروند یکی حامله
است!^{۶۵}

هرسال در تهران ۲۵۰ نفر در اثر مصرف کردن مشروبات الکلی
میمرند.^{۶۶}

طبق گزارش سخنگوی ژاندارمری يك مرکز قریب ۶۰۰ دزد را تنها
در يك ماه دستگیر کرده اند . با کمال تأسف در میان افرادی که آلوده به این
بدبختی شده اند نه تنها عده ای از جوانان تحصیل کرده بلکه بعضی از کودکان
نیز دیده میشوند که با همسالان خود باندهای دزدی تشکیل داده اند.^{۶۷}

روزانه دوهزار نفر خودکشی میکنند . روزانه سه میلیون نفر اعلام
انتحار میکنند . از هر سه دانشجو که میمیرد یکی بصورت انتحار است.^{۶۸}
سخن کوتاه کنیم که «این رشته سر دراز دارد» .

۶۲- سیمای جهل در غرب، ص ۱۴۵ .

۶۵- اطلاعات ۲۱ مرداد ۳۸ .

۶۷- روزنامه اطلاعات شماره ۱۰۷۰۴

۶۲- سیمای جهل در غرب ص ۱۴۵ .

۶۴- کیهان شماره ۶۵۲۲ .

۶۶- کیهان شماره ۶۲۶۰ .

۶۸- سازمان بهداشتی M. U. S.

از بررسی و مقایسهٔ اوضاع آشفته و نابسامان امروز جهان با پنجاه سال قبل چنین بدست می‌آید که اگر از فرمول ریاضی استفاده کرده بین اوضاع امروز و پنجاه سال آینده يك تناسب ببندیم جواب چه خواهد بود؟ خدا بهتر میداند.

این زندگی نابسامان دنیا روز بروز نابسامانتر میشود راستی بشر به کجا میرود؟ خودش هم نمیداند!

آیا بدبختی و سقوط از این هم بدتر امکان دارد که با این همه پیشرفت در علم و دانش و صنعت و تکنیک و تسخیر فضا و تصرف کرات بشر در مهار کردن هواهای نفسانی، خودخواهی و تکبر خویش عاجز و زبون مانده باشد؟ کدام ملت است که با مشاهده محیط ننگ‌آورش از اصلاح مایوس و ناامید نباشد؟

جوانان

جوانان را ممکنست سؤالی پیش آید که: با بالا رفتن میزان مفاسد و وظیفهٔ يك جوانِ مسلمان چیست؟

آیا صرف دعا و نیایش کارِ ناسازِ جامعهٔ اسلامی را سازمان میدهد؟ نه، دعا و نیایش در اوضاع زندگی افراد اثری بسزا و عمیق دارد چنانکه دکتر الکسیس کارل يك کتاب در اثر نیایش برشته تحریر در آورده و اثرات معجزه آسایش را طی مشاهدات خود با دلائل متین باثبات میرساند. ولی باید دانست که: در زندگی يك مسلمان دعا و نیایش فقط شرط لازم برنامه یا دین و یا عقیدهٔ او را تشکیل میدهد و مسلماً نمی‌تواند شرط کافی برای سعادت فرد مسلمان و اجتماع اسلامی باشد. يك فرد مسلمان قبل از هر چیز باید آنقدر بصیر باشد که بداند آن چنان که اسلام میتواند با مفاسد و ستمها مبارزه

کند هیچ‌یک از مکتبهای اجتماعی دیگر دنیا نمی‌تواند بآن اندازه مبارزه و دفاع کند و بدنبال آن باید بنکات زیر توجه کامل داشته باشد :

پایه‌های ایمان خود را نسبت به اسلام با برهان قاطع و محکم، استوار سازد. چه ارزش یک مسلمان به آنست که ایمان او با اسلام از روی دلیل و برهان باشد. بنابراین بر مسلمانان بویژه مربیان جامعه اسلامی فرض است که روزانه بر بصیرت خویش از طرق مختلف پیغزایند یعنی یک معلم یا یک استاد نباید به مطالبی که در دوران طفولیت و یا در دوران تحصیل درباره دین شنیده قناعت کند که این خود یک نوع کم‌لطفی به خود و افرادی است که زیر نظر او تربیت میشوند.

بلکه همواره باید در مسیری حرکت کند که اطلاعات و درجات ایمانش روزافزون باشد تا مشمول این سخن نشود که :

«هر که دو روزش برابر باشد مغبون است»

روی همین اصل، اسلام یک فرد مسلمان را موظف بکسب دانش و فضیلت می‌نماید چه اسلام وقتی برای مسلمان قابل درک و فهم میشود که با دلیل و برهان فراگرفته و با دانش اندوزی به مزایای آن پی برده باشند^{۶۹} ضمناً این وظائف که از طرف شارع اسلام برای مسلمانان مطرح میشود خود بزرگترین دلیل است بر اینکه این دین بر صحت و درستی و حقانیت خود اطمینان کامل دارد و گر نه چنین ماموریهایی به پیروانش نمی‌داد.

نکته دیگر آنکه در اکثر آیات شریفه قرآن کریم، هر کجا نامی از ایمان بمیان می‌آید بدنبال آن به نکته اساسی و اصیل کوشش و عمل و انجام وظیفه

۶۹- قرآن باین دسته افراد که دارای ایمان و علم باشند ارزش زیاد قائل شده و آنان

صاحبان درجه رفیع معرفی می‌فرماید :

«یرفع الله الدین آمنوا والدین اوتوا العلم درجات» .

توصیه میشود. روی این حساب آنانی که در محیط خود و دیگران تبلیغات مسموم دشمنان دین را مشاهده می کنند و بعد مهر سکوت بر لب می زنند و قلم خود را به جنبش و حرکت در نمی آورند که از حریم اسلام و حق و عدالت و عفت و پاکدامنی دفاع کنند دل های اینها از نور و تابش اسلام خالی است. پیامبر اسلام میفرماید: هرگاه انحرافی در اجتماع اسلامی رخ دهد بر هر فرد مسلمان داناست که در راه مبارزه علیه هرگونه بدعت و کجروی از دانش استفاده کرده و راه را بر سودجویان منحرف بر بندد. اینجاست که وظیفه فردی بوظیفه اجتماعی مبدل میشود و یک فرد مسلمان مأمور نظارت اجتماعی بنام امر بمعروف و نهی از منکر میگردد و دیگر گول جمله عوام فریب (بمن چه؟ و به او چه؟) دشمنان اسلام را نمی خورد و طبق دستور قرآن مجید به کوشش و فعالیت در راه خدا می پردازد و در ردیف بهترین گروه: «کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر»^{۷۰} قرار میگیرد و نیز چون دشمنان ما حاضر نیستند از فعالیت خود دست بردارند ما هم هر روز باید آماده دفاع باشیم چه هر روزی که بدون مبارزه گذرد و هر ساعتی که بدون کوشش علیه فساد و تباهی پایان یابد و هر لحظه و دقیقه ای که بدون کار مثبت تلف شود در وجدان فرد مسلمان گناهی بحساب می آید که جز نبرد پیگیر نمی تواند آنرا جبران کند.

اگر ما «مسلمان» باشیم، همین کافیست که بدون درنگ، با تمام قوا، بدون خستگی و ملال علیه تمام پلیدیها و انحرافها و بدعتها و خرافات و زشتیها و نابسامانیهای دینی و اجتماعی بپاخیزیم و اگر چنین نبودیم یا نیستیم باید بدرجه ایمان خود بنگریم و در اساس و پایه های ایمان خود

۷۰- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰ ترجمه: شما بهترین امتی هستید که از بین مردم

مأموریت یافته اید که بمعروف امر کنید و از منکر نهی نمایید.

تجدید نظر کنیم .

شاید در داشتن ایمان خود را گول زده باشیم و گرنه چگونه ممکنست از مبارزه علیه مفسد و جنایات روز افزون باز ایستیم !

نقش اسلام

مفاسدی که نمونه‌ای از آثارش یاد آور شد، ناشی از طبیعت و چگونگی رژیم‌هایی است که در این جوامع حکمفرما بوده و اسلام را از میدان زندگی خود دور ساخته‌اند. ولی آنچه مایه تعجب است اینست که در برابر اینگونه مشکلات، اسلام را مورد بازخواست و یا سؤال قرار میدهند و یا از آن راه‌حلهائی می‌طلبند در حالی که در بوجود آمدن آنها، اسلام کوچکترین نقشی را بعهدہ نداشته‌است .

پاسخ هرگونه مشکلی که از اسلام سؤال می‌شود آنست که گفته‌شود: «نخست اسلام کامل را در همه امور زندگی دخالت دهید و قوانین آنرا اجرا کنید سپس نظریه آنرا درباره مشکلاتی که بوجود می‌آید بخوانید نه آنکه راه حل مشکلات ناشی از یک نظام ضد اسلامی را از اسلام طلب کنید . اسلام امور مردم را بر وفق اساس مخصوصی اداره می‌کند و پایه‌های اجتماعی و اقتصادی و احساس ویژه‌ای برای آنان بوجود می‌آورد و روی این حساب نخست اگر همه اصول اسلامی را در تمام شؤون اجتماعی اجرا کنند آنگاه خواهند دید که این مشکلاتی که از آنها سخن به میان آمد خود بخود از بین رفته‌است . . . آری آنها مشکلاتی است که جامعه سالم اسلامی هرگز آنها را بخود نخواهد دید.»^{۷۱}

۷۱- کتاب «ما چه می‌گوئیم» با تصرف و تلخیص .

شگفت و پیروزی

با وضع حاضر: دوری از معنویات، علاقه وافر به مادیات، دنیای ماشینی
 توأم با طفیان شهوت و ...
 همه ناامیدند
 آری همه ناامیدند
 همه نگرانند
 همه حیران و سرگردانند
 ولی آنان که دلی پراز ایمان دارند
 همه امیدوارند
 همه ایمنند
 همه منتظرند

به انتظار چه ؟ به انتظار که ؟

به انتظار آن شخصیت الهی جهانی - حضرت حجة بن الحسن المسکری (ع) -
 که قرآن، او و یارانش را بنده شایسته خدا و وارث زمین معرفی می کند :
 «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین»^{۷۲}.

آینده از آن اسلام است

پروردگار متعال پیامبرانی برای هدایت بشر اعزام داشت تا آنان را از
 ذلت بت پرستی - که هادم شخصیت اوست - برهانند و به مقام اعلای
 حق پرستی و عدالت و پاکدامنی رهنمون گردند .

۷۲- سوره اعراف آیه ۱۲۸ .

این پیامبران هر يك بنوبه خود آمدند و در راه خدا برای هدایت خلق کوشیدند و رفتند، آنان را که فطرتی پاک بود و قلبی سلیم، از ارشاد آنان بهره‌مند شدند و دیگران نه .

سنت الهی است که هر پیامبر الهی، پیغمبر پس از خود را به مردم زمان معرفی و گوشزد نماید، ظهور حضرت محمد (ص) هم بشارت داده شد تا همه مردم جهان با دین جهانی آشنا شوند شاید خاری در گلستان زندگی نماند، که قلبی را جریحه‌دار نماید .

آری، آخرین سفیر الهی برانگیخته میشود با امتیازاتی ویژه خودش .
آخرین سفیر، آخرین نفر، آخرین پیامبر، آن هم برای همه مردم: « کافّة
لینّاس » .

همه بشارت آمدنش را داده بودند و نیز بشارت جانشینان وی، و بویژه بشارت آخرین جانشین او، مصلح واقعی جهان .

ادیان پیشین همه به ظهور منجی آسمانی مژده دادند بدون آنکه اسم و رسم او را بیان نمایند چنانکه از مزمور داود و ... خواندیم و به این مژده، هم شاد بودند و هم پیروان خود را شاد می‌کردند و همین ایده، هم مایه امید برای خود آنان بود و هم دیگران .

زیرا مطمئن بودند که: آمدن مصلح و عده حق است و وعده حق تخلف پذیر نیست و نیز یقین داشتند که اگر يك عمر مردم بت پرست را بسوی خدا میخوانند و از این دعوت و زحمت نتیجه چشم‌گیری نمی‌گیرند کارشان بی‌نتیجه نخواهد ماند و سرانجام به انجام خواهد رسید .

او

چون با آمدن اسلام، دین آسمانی پایان می‌یافت می‌بایست مصلح

موعود بیشتر معرفی شود تا مردم بدانند که «او» از خاندان پیامبر، نهمین فرزند حضرت امام حسین (ع) و هشتمین فرزند امام چهارم و ... فرزند و الاتبار حضرت امام حسن عسکری (ع) است .

«او» همان پیامبر اسلام و کنیه اش ابوالقاسم همانند آن حضرت است . آن بزرگوار به القاب : حضرت مهدی ، مهدی موعود ، قائم اسلام ، قائم موعود ، حضرت حجة بن الحسن ، حضرت بقیة الله ، ولی عصر و امام زمان مفتخر گردیده است .

از نشانه های او که پیامبر اسلام بارها بدان تصریح میفرماید : دو غیبت کوتاه و طولانی است بنام : غیبت صغری و غیبت کبری .

آن بزرگوار به منزله آخرین دستی است که از آستین غیب بیرون می آید تا بشریت را از هرگونه اضطراب و ناامنی و طفیان و استعمار برهانند و همه نابسامانیهای جهان را به سامان برسانند - انشاء الله - و این بود آرزوی پیامبران الهی که به وعده خدا امیدوار بودند تا زحماتشان به هدر نرود و بالاخره پس از هزاران سال هم که شده روزی به نتیجه نهائی خود برسند .

البته نتیجه گیری از هر برنامه ای مستلزم فرارسیدن موقعیت خاصی است لذا خداوند برای حضرت ولی عصر (عج) دو غیبت مقرر داشت : غیبت کوتاه از آن جهت که او را بشناسند چه : « هر که بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد مانند مردم زمان جاهلیت مرده است » .

غیبت دوم (غیبت کبری) از آن جهت که هر روز پروردگار متعال اذن فرماید آن حضرت قیام کند و زحمات انبیاء الهی را به ثمر رساند و جهات دیگر ...

کمال

خدارا در هر عصر و زمان حجتی بوده است و لازم بود که پس از امام یازدهم هم شخصیتی الهی در میان مردم وجود داشته باشد. لذا این منصب به فرزند بزرگوار آن حضرت افاضه گشت.

میدانیم که مصالح حقیقی دارای تمام صفات پسندیده است و هیچ نقصی در او نیست و قطعاً فرزند امام بودن هم برای او کمال است پس باید بلافصل باشد. یعنی اگر قرار بود امام زمان (ع) پس از سپری شدن قرون متمادی مثلاً هزار سال متولد شود، اولاً در این مدت زمین خدا از حجّت خالی می ماند. ثانیاً نقصی بود بر او، چه قائم اسلام باید خلاصه و چکیده و وارث انبیای الهی و اهل بیت عصمت و کرامت بوده باشد نه دیگران.

بهبانه

خدا هم همواره بر خلق اتمام حجّت میکند بر ما هم چنین کرده است. در شرح حال انبیای گذشته نوشتیم که برای انبیای سلف هم غیبت مقرر شد تا غیبت مصالحش بر ما گران و مستبعد نیاید.

و پیامبر هم پیش از حضرت مهدی (ع) به دو غیبت تصریح کرد تا بهانه ای نماند و نماند هم. چه کتابهای فراوانی که فهرستش یاد شد از آن جهت بود که بدانند پیش از تولد هم در زمینه غیبت تصریحات و در نتیجه تألیفاتی داشته ایم و بعد از غیبت هم، هم.

سازندگی

حضرت در سال ۲۵۵ هجری قمری از مادر متولد می شود و پس از

پنج سال با رحلت حضرت امام حسن عسکری (ع) غیبت صغری آغاز میگردد. در این دوران چهار نفر نیابت خاصه را عهده دار بوده‌اند در انقضای عمر چهارمین نایب به سال ۳۲۹ هجری قمری غیبت کبری اعلام میگردد که تاکنون ادامه دارد.

از مهمترین وظائف شیعه در این دوره انتظار فرج آن حضرت است. حالت انتظار مصلح از آن جهت پراچ است که آن، حالت سازندگی دارد چه «کسی که منتظر مصلح است باید خود صالح باشد» و گرنه انتظار او برخلاف انتظار است.

نیرو

آری، هر فرد مسلمان بویژه يك معلم مسلمان هنگامی در کار و زندگی خویش پیروز خواهد شد که دارای ایمان باشد. ایمان به خدا و پیامبر و خاندان وی بخصوص به امامت و حیات و غیبت حضرت حجّت سلام الله علیه، امام زمانش.

فقط نیروی ایمان است که در انسان احساس مسؤولیت را احیاء میکند، اگر این نیرو نباشد با چه نیروئی می‌توانید بشر را کنترل کنید و به کار مثبت وادارید؟

يك معلم هنگامی به کار تدریس خویش علاقه‌مند می‌شود که ایمان داشته‌باشد و همین علاقه ناشی از ایمان است که کار او را مشر و پرفایده می‌گرداند.

يك داروساز وقتی به درد اجتماع خود می‌خورد که دارای ایمان باشد و گرنه با خیانت و تقلب جان و مال هزاران نفر را در اثر سودجویی به مخاطره می‌اندازد و...

آینده

اگر ما واقعاً به اصلاح خود و جامعه خویش علاقه مند هستیم ناگزیریم که به پرورش اطفال و دانش آموزان و دانشجویان و معلمان کشور خود سعی کافی مبذول داریم .

ما معلمان باید رسالت خویش را از این راه بانجام رسانیم تا ملتتی درست و راستگو و فعال و فداکار و سعادتمند داشته باشیم تا نسل آینده ما را محکوم به تنبلی و سستی و خود باختگی در برابر جاهلیت غرب نکند .

آری ، اگر يك مسلمان، نیرنگ نیرنگ بازان قهار دنیا را می بیند و هزاران مفسد دیگر را، باز با دلی پر از امید در انتظار مصالح جهان از پای نمی نشیند. چه یقین دارد که پیروزی از آن اوست که مسلمان است و نیز می داند که :

« بزودی خورشید آئین خدا بر افقهای تاریخ جهان خواهد تابید و همه جا را نورانی خواهد کرد. اگر چه کافران خوششان نیاید و مایل نباشند.»

آری، خدا بزرگ است و آینده از آن اسلام



حمايه

* سوتند

بسیار مناسب است که سخن با حماسه‌ای شورانگیز حسن ختام یابد.

سوگند^{۷۰}

به محبت و عشق و وفا سوگند	به جلال و جاهِ خدا سوگند
به علائق جان به حیات جهان	به فنا در راهِ بقا سوگند
به طراوت گل به صفای چمن	به طبیعت و باد صبا سوگند
به سپهر و مهرِ فروزانش	به فروغ ماهِ سما سوگند
به توکل ما به اراده حق	به قدر سوگند به قضا سوگند
به فداکاری و به جانبازی	به مقام صبر و رضا سوگند
به تساوی و عدل و به آزادی	به طریقتِ اهل صفا سوگند
به حقیقت‌گو، بهره حق‌پو	به دل خالی ز ریا سوگند
به مبارزها به مجاهدها	به شهیدِ راهِ خدا سوگند
به فدائی مذهب صلح و صفا	به شهیدِ کرب و بلا سوگند
به دلِ شکسته زندانی	که نرفته به راهِ خطا سوگند
به ستم کشیده بیچاره	به اسیرِ دستِ هوی سوگند
به صراطِ یقین به حقیقت دین	به طریقِ نورِ هدی سوگند
به کتابِ محکم حق قرآن	که نپوید راهِ فنا سوگند



به خدا که رهبرِ ما آید	مردانه به حکمِ خدا آید
مهدی، زنده، غایب، قائم	به خدا که صاحبِ ما آید

۷۰- از فضل‌الله صلواتی (طوفان) بنقل از مجله مکتب اسلام سال ۱۲، شماره ۱۰.

رهبر ، حجّت ، سرور ، سالار
 از عدل ، جهان را پر سازد
 روشن گردد شبِ تاری ما
 بنیان بستم ویران سازد
 همه جا را امن و امان سازد
 باطل ز زمانه براندازد
 ز اندوه و غم خبری نبود
 بانگ باطل گردد خاموش
 آید آخر مه تابانی
 مردان خدا شادان باشید
 همه جا چوبهشت برین گردد
 ز غم و رنج من و تو آخر
 بیدراند پرده بدکاران



ره ظلم و ستم باید بستن
 کوشش باید ، جوشش باید
 (طوفان) ز ستمکاران تو مرنج
 نه که خفتن تا شه ما آید
 تا مرد خدا به غزا آید
 چون صاحب ما ز قفا آید

